

کارآمدی سیاسی از منظر حاج آقا نورالله اصفهانی (قدس سره)

(با تأکید بر رساله مقیم و مسافر)

منبع: فصلنامه حکومت اسلامی

شماره 39

مهدی ابوطالبی*

کارآمدی سیاسی از مباحث مهم در اندیشه سیاسی است. مقاله حاضر ضمن پرداختن به جنبه‌های مختلف کارآوری سیاسی، با استفاده از «رساله مقیم و مسافر» حاج آقا نورالله اصفهانی که از عالمان عصر مشروطه بوده است، این بحث را مطرح می‌کند.

از دیدگاه حاج آقا نورالله تعلیم و تربیت، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، حاکمیت قانون اسلام، عدالت و مساوات، امنیت و رفاه، استقلال و خودکفایی از اهداف حکومت کارآمد بشمار می‌رود.

چنان که مشروعیت الهی، توجه به مبانی اعتقادی اسلامی، رعایت مصلحت عمومی و خدمتگزاری از اصول حاکم بر حکومت کارآمد اسلامی است که با استفاده از ابزارهایی چون نظارت و کنترل همگانی، نیروهای انسانی متعهد و متخصص، مشارکت و همکاری عمومی، قواعد و مقررات مناسب، حسن تدبیر و مدیریت و جلب اعتماد مردم تحقق می‌یابد.

*. دانش آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد علوم سیاسی.

مقدمه

از مباحث بسیار مهم و بحث‌برانگیز در اندیشه سیاسی، بحث «کارآمدی سیاسی» است. این بحث از آن جا که به جنبه‌های عینی و عملی موفقیت يك نظام در تحقق اهداف و برنامه‌هایش و رسیدگی به وضعیت مادی و معنوی مردم می‌پردازد، اهمیت فراوانی یافته است و از آنجا که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام سیاسی حاکم در ایران براساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفت و در حقیقت انقلابیون از همان آغاز نهضت در پی تحقق نظام سیاسی اسلام در ایران بودند، از همان زمان یکی از پرسش‌های اساسی مطرح‌در میان نخبگان داخلی و خارجی، بحث کارآمدی نظام سیاسی اسلام بود. حضرت امام(قدس سره) نیز یکی از دو تذکر مهمی که در آغاز وصیتنامه سیاسی - الهی‌اش مطرح می‌کنند، اشاره به همین مسأله و همین دغدغه است و پاسخ به کسانی است که می‌گویند آموزه‌های اسلامی مربوط به سال‌ها پیش است و برای امروز کارایی ندارد. هم اکنون نیز باگذشت ربع قرن از حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران، با طرح موانع و چالش‌های

مختلف توسط مخالفین انقلاب، این بحث به طور جدی‌تر و در قالبها و اشکال مختلف مطرح شده است.

وقوع انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی به عنوان نمونه عینی یک حکومت اسلامی در زمان غیبت، ریشه در حوادث بسیاری، در تاریخ معاصر ایران دارد. اگر حکومت صفوی در ایران تشکیل نمی‌شد و تشیع این‌گونه در عمق جان و فکر و ذهن مردم ایران شکل نمی‌گرفت - به گونه‌ای که به تعبیر بسیاری از محققان داخلی و خارجی، هویت شیعی جزئی از هویت ایرانی شده است و این دو قابل تفکیک نیستند [1] - در ایران انقلاب اسلامی رخ نمی‌داد؛ چرا که به اعتراف بسیاری از نظریه‌پردازان انقلاب، یکی از علل اصلی پیروزی انقلاب در ایران، آموزه‌های شیعی بود. چنان که مشابه اوضاع و شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران قبل از انقلاب در بسیاری از کشورهای مسلمان خاورمیانه بود؛ ولی به دلیل سنی بودن آنها چنین انقلابی در آن کشورها شکل نگرفت. [2]

اساساً به همین دلیل بود که بعد از انقلاب اسلامی تعداد محققان علاقمند به مطالعه راجع به

[1] ر.ک. به: موسی نجفی، جریان‌شناسی و فلسفه سیاسی در تاریخ معاصر ایران، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، 1379؛ نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ص 51

[2] ر.ک. به: نیکی کدی، چرایی انقلابی شدن ایران، مندرج در متین، ش 2، صص 226-228

شیعه دوازده امامی نیز به صورت فزاینده‌ای گسترش یافت. [1] اگر نبود تجربه موفق حضور علما در امور سیاسی - اجتماعی مانند نهضت میرزا مسیح مجتهد، مقابله مرحوم ملا علی کنی با قرارداد روپتر، نهضت تنباکو و ... ، اگر نبود تجربه عدم اعتماد به نیروهای سکولار و غیر مذهبی در مشروطه و تجربه پرهیز از اختلافات داخلی در مشروطه و نهضت ملی شدن نفت، در سال 1357 شاهد چنین انقلاب اسلامی‌ای نبودیم.

بی‌تردید می‌توان گفت حکومت استبدادی رضاخان، تحقق اهداف و نیت نیروهای سکولار فعال در مشروطه و انقلاب اسلامی ایران تحقق اهداف و نیت حقیقی نیروهای مذهبی مشروطه بود. بنابراین، می‌توان گفت به نوعی همان چیزی را که نیروهای مذهبی مشروطه دنبال می‌کردند، امام خمینی (قدس سره) در طول نهضت دنبال می‌کرد و آن چیزی نبود جز حاکمیت اسلام و اجرای قوانین اسلامی در حد ممکن و مقدور در هر زمان. لذا در جریان نهضت مشروطیت نیز به نوعی این بحث مطرح بوده است و علمای آن دوره در قالب رساله‌های گوناگون به این بحث پرداخته‌اند.

یکی از کسانی که هم در مقام نظر و هم در مقام عمل به این مسأله پرداخته، مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی (قدس سره) است. ایشان با پذیرش اندیشه تفکیک ناپذیری دین و سیاست، نه تنها به تفسیر شرعی و اصولی این اندیشه پرداخته؛ بلکه در صحنه عمل سیاسی و اجتماعی در نواحی وسیعی از اصفهان و بختیاری و مرکز ایران، حکومتی

مطابق آنچه در نظر داشته، پیاده و اجرا نموده است. از آنجا که وی چند سال حکومت عملی داشته و به خوبی بر بسیاری از موارد ریز و جزئی ولی مهم آگاهی یافته، نوشته او در این زمینه، که در دوره فترت مشروطیت به نثر در آمده حائز اهمیت است؛ زیرا این نوشته ناظر به

[1] Andrew J. Newman, The formative period of twelver Shi'ism :Hadith as discourse between Qum.Baghdad, p. XVI . and

عمل و فارغ از قلم‌فرسایی و آرمان‌گرایی است؛ لذا می‌توان گفت ایشان به طور عینی به بحث کارآمدی پرداخته است.

مفهوم کارآمدی

مفهوم لغوی: کلمه «کارآمدی» معادل واژه لاتین effectiveness است که در متون انگلیسی با این تعبیر از آن بحث می‌کنند. این اصطلاح در زبان فارسی به تأثیر، سودمندی، اثر بخشی، کارایی و فایده ترجمه شده است. [1]

مفهوم اصطلاحی: اصطلاح کارآمدی بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی، این اصطلاح به اثر بخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است. در تعریف دیگری کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و این گونه تعریف شده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص. سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده صورت می‌گیرد. [2] در فرهنگ اقتصادی، «کارآمدی» و «کارایی» را مترادف دانسته و چنین تعریف کرده‌اند: استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده. [3]

در مدیریت، کارآمدی به درجه و مقداری که يك اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نایل می‌شود، [4] یا به نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها تعریف شده است. [5]

با توجه به تعریف‌های گوناگونی که برای توصیف مفهوم کارآمدی آمده برای تعیین ملاک و معیار دقیق کارآمدی، تئوری‌های مختلفی ارائه شده است [6] که در اینجا مهم‌ترین آن‌ها را مطرح کرده و مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از طرح این تئوری‌ها و جمع‌بندی

[1] جعفری، محمدرضا؛ فرهنگ نشر نو، نشر تنویر، تهران، 1377، ج 1

[2] آفابخشی، علی؛ فرهنگ علوم سیاسی، انتشارات چابار، تهران، 1379، ص 446

[3] گلریز، حسن؛ فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، مرکز آموزش بانکداری، چاپ اول، تهران، 1368

[4] فرنج، درک؛ فرهنگ توصیفی مدیریت، ترجمه محمد صائبی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، 1371، ص 211

[5] زاهدی، شمس‌السادات؛ فرهنگ جامع مدیریت، چاپ سپهر، تهران، 1376، صص 111 و 112

[6] ر.ک.به: لاریجانی، محمد جواد، حکومت: مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، صص 97 - 49

آن‌ها به بحث «کارآمدی سیاسی از نظر حاج آقا نورالله اصفهانی(قدس سره) بر اساس «رساله مقیم و مسافر» می‌پردازیم:

تئوری‌های کارآمدی

تئوری توفیق: مطابق این تئوری، از آنجا که هر سازمانی برای نیل به هدف یا اهداف معینی تأسیس می‌شود، در ارزیابی کارآمدی يك سازمان، «توفیقات نهایی» آن مورد محاسبه قرار می‌گیرد و ملاک اصلی کارآمدی همین توفیقات نهایی است و روش‌های نیل به این اهداف، در ارزیابی کارآمدی آن نقشی ندارد.

تئوری سیستمی: در بررسی کارآمدی يك سازمان بر اساس تئوری سیستمی، مسأله کارآمدی آن، به سه رکن مثل ارکان موجود در سیستم (ورودی، عملیات تغییر و تحول، خروجی) تجزیه می‌شود. در این تئوری، کارآمدی مبتنی بر قدرت تهیه ورودی، چگونگی انجام عملیات روی آن‌ها، چگونگی سازماندهی خروجی و حفظ استقرار در تعادل سیستم است.

تئوری رضایت: براساس این تئوری، حکومتی کارآمد است که عناصر مؤثر در بقای خود را ارضا کند. بنابراین، کارآمدترین حکومت، حکومتی است که بتواند بیشترین و بهترین رضایت مردمی (عموم مردم یا نخبگان یا خواص) را نسبت به خود جلب کند.

تئوری نسبیت: این تئوری بر اساس دو مبنا شکل گرفته است:

1. عدم وجود مبنایی واحد و اصیل برای مفهوم و میزان کارآمدی

2. محدود بودن زمینه‌های ارزشی دخیل در مسأله کارآمدی

دو اصل پیش گفته این امکان را به وجود می‌آورد که بر اساس ترکیبی از معیارهای ارزشی مختلف، الگوهای عملی برای ارزیابی کارآمدی سازمان‌ها به تناسب وضع ناظر تهیه شود و

بر اساس آن کارآمدی تعیین گردد.

تئوری ذاتی عمل: صاحب این تئوری معتقد است که ریشه کارآمدی در ماهیت عامل بودن حکومت است. بنابراین، کارآمدی به چگونگی صدور فعل از عامل مربوط است. بدین گونه که هر عاملی؛ فرد یا جمع، که افعال درست‌تر (معقول‌تر) از او صادر شود کارآمدتر

است. هر عملی هم سه رکن دارد: فهم وضعیت موجود، ترسیم وضعیت مراد یا مطلوب، طراحی برنامه برای حرکت از وضع موجود به وضع مراد یا مطلوب. بنابراین، برای بررسی کارآمدی، باید سه رکن یاد شده بررسی شود.

منتقدان، بر هر یک از تئوری‌های اشاره شده اشکالاتی وارد کرده‌اند و هر کدام را به نوعی ناکافی دانسته‌اند. به نظر می‌رسد برای بحث کارآمدی و تعیین ملاک‌های لازم برای ارزیابی کارآمدی یک حکومت، باید عناصر و عوامل گوناگونی را در نظر گرفت و بر اساس این عوامل، کارآمدی و ناکارآمدی یک حکومت را تعیین کرد.

لذا با ملاحظه تمام تعاریف بالا، می‌توان در یک جمع‌بندی، تعریفی ارائه کرد که به طور کلی حاوی روح همه این تعاریف باشد و در عین حال مشکلات آن‌ها را نداشته باشد، لذا به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت:

«کارآمدی عبارت است از موفقیت در تحقق اهداف، با توجه به امکانات و موانع».[1]

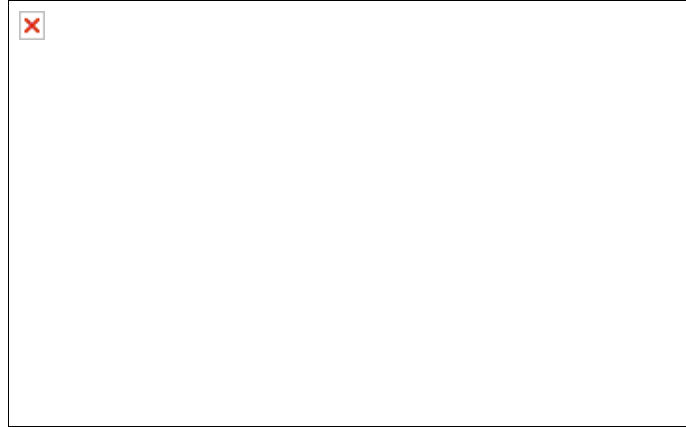
الف) اهداف: در هر حکومتی، اهداف به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: اهداف غایی و متوسط.

اهداف غایی، اهداف نهایی و کلی یک حکومت است که حکومت در نهایت می‌خواهد به آن‌ها برسد. اما اهداف متوسط یا میانی، اهدافی هستند که قبل از رسیدن به اهداف غایی، مورد توجه قرار می‌گیرند و حکومت و برنامه‌های آن به سمت آن حرکت می‌کند. دلیل تفاوت اهداف، به نوع ارزش آن‌ها باز می‌گردد. نظام ارزشی به طور کلی تابع نظام جهان‌شناسی است. بنابراین، کارآمدی هر نظام با توجه به جهان بینی و نظام ارزشی آن مشخص می‌گردد.[2] علاوه بر اهداف، نظام ارزشی بر برخی [3] امکانات و موانع نیز تأثیرگذار است. بنابراین:

[1] این تعریف را جناب آقای محمود فتحعلی، با در نظر گرفتن تعاریف مختلفی که در مورد کارآمدی وجود دارد، به عنوان جمع میان تعاریف مختلف مطرح کرده است. (ر.ک. به: فتحعلی، محمود؛ مباحثی در باب کارآمدی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، 1382).

[2] مرتضوی، سید ضیاء؛ کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، مندرج در: مجله حکومت اسلامی، ش 14، ص 10

[3] چون بر برخی موانع و امکانات تأثیر گذار است، در نمودار، بخشی از آن با رنگ مشخص شده است؛ به این معنا که بر برخی از آن‌ها تأثیرگذار نیست.



ب) امکانات: یکی از عناصر ارزیابی کارآمدی، امکانات است که این امکانات لازم برای کارآمدی را می‌توان به دو دسته کلی «امکانات مادی» و «امکانات معنوی» تقسیم کرد.

ج) موانع: موانع کارآمدی هر نظامی را نیز می‌توان دو دسته کلی «داخلی» و «خارجی» دانست.

کارآمدی سیاسی از نظر مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی

الگوهای را که بیشتر نظریه‌پردازان غربی، جهت کارآمدی ارائه کرده‌اند، می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

1. در دسته‌ای از این نظریات، هدف حکومت، به عنوان یکی از مؤلفه‌های کارآمدی مد نظر قرار نگرفته است؛ مانند تئوری رضایت که مهم جلب رضایت مردم است ولو این که حکومت به اهداف از پیش تعیین شده خود هم نرسیده باشد. بلکه مهم این است که اقدام انجام شده فقط مورد رضایت مردم باشد، به تعبیری جلب رضایت مردم، هدف اصلی حکومت است و هیچ مبنایی جز رأی و نظر مردم وجود ندارد که به عنوان ملاک مدنظر قرار گیرد.

2. دسته‌ای دیگر، نظریاتی هستند که در آن‌ها هدف حکومت نیز یکی از مؤلفه‌های کارآمدی است. اما علی‌رغم اهمیت هدف، راه رسیدن به هدف اصلاً مهم نیست؛ مثل تئوری توفیق.

3. دسته سوم، نظریاتی است که علاوه بر توجه به هدف حکومت به عنوان یکی از

مؤلفه‌های کارآمدی، به راه رسیدن به هدف هم توجه شده است، ولی

مهم نیست که هدف چیست! اگر حکومت اهداف غیر انسانی داشته باشد و از راه‌های متناسب با اهداف، به این اهداف برسد، این حکومت کارآمد خواهد بود. مانند تئوری سیستمی و تئوری نسبیت.

به همین جهت در بحث کارآمدی سیاسی از نظر حاج آقا نورالله (قدس سره)، با توجه به الگوی فوق در این مقاله، در پی این مطلب هستیم که از نظر حاج آقا نورالله اصفهانی، نظام سیاسی مطلوب و کارآمد، باید چه اهدافی را دنبال کند و از چه امکانات و ظرفیت‌هایی (اصول، ابزار، منابع و ...) برای رسیدن به این اهداف بهره ببرد؟ [1] این مطالب را می‌توان از نوع سخنان و آثار این بزرگوار استفاده کرد:

1. مطالبی که به اهداف و امکانات لازم برای رسیدن به حکومت مشروطه، به عنوان قالبی برای يك حکومت مطلوب و کارآمد مطرح می‌کردند.

2. نقایص و مشکلاتی که به عنوان اشکالات و نقایص حکومت استبدادی و به تعبیر بهتر حکومت ناکارآمد مطرح می‌کردند. لذا در این بحث نیز در هر يك از موارد، از هر دو نمونه برای بیان عناصر لازم جهت کارآمدی حکومت استفاده خواهیم کرد.

الف. اهداف

1. هدف غایی

حاج آقا نورالله اصفهانی (قدس سره) هدف اصلی حکومت را حفظ اساس اسلام و رساندن مسلمانان به بالاترین مراتب رشد مادی و معنوی می‌داند. لذا در بحث از علت اقدام عملی در راستای تحقق مشروطه در آن زمان و عدم چنین اقدامی در زمان‌های قبل، می‌نویسند:

[1] از آنجا که موانع موجود در هر نظام سیاسی بسته به موقعیت زمانی و مکانی آن نظام حاکم است و نمی‌توان دستورالعمل کلی به عنوان موانع ارائه کرد، در این بخش به این بحث پرداخته نشده است.



«علت آن بود که هرچند ظلم از سلاطین اعصار در دربار بسیار بود، لیکن اصل اساس اسلام محفوظ و به واسطه قدرتی که سلاطین اسلام داشتند، هجوم اجانب و تسلط خارجه و اضمحلال محکمه اسلام بالکلیه نمی‌شد، اما این اوقات که سلاطین

بیتالمال مسلمین را خرج شهوترانی و مصارف مضرّ به اسلام و تضعیف مسلمین نمودند ... ناچار به جهت حفظ اسلام در مقام احیای قانون مشروطه و ... برآمد که به این وسیله اسلام را محفوظ و مسلمین را قوی و به فواید دنییه و دنیویه محفوظ دارد.» [1]

بنابراین، از نظر این بزرگوار، هدف غایی در يك حکومت مطلوب و کارآمد، رساندن بشر به سعادت حقیقی است و سعادت حقیقی با گام نهادن در صراط مستقیم و عمل به دستورات شرع مقدس حاصل می‌شود. لذا وظیفه اصلی حکومت، حفظ اسلام و تأمین زمینه‌های رشد و تعالی انسان‌ها برای رسیدن به این مرحله است.

2. اهداف متوسط

در آثار مرحوم حاج آقا نورالله و برخی اقدامات عملی ایشان، عناوین دیگری نیز به عنوان اهداف و وظایف حکومت مطرح می‌شود که در حقیقت همان اهداف متوسط و میانی حکومت به حساب می‌آید. این اهداف عبارتند از:

1-2. تعلیم و تربیت

حاج آقا نورالله، یکی از اهداف میانی حکومت را ترویج علم و معارف و تعلیم و تربیت می‌داند و معتقد است که باید زمینه تعلیم و تربیت و آموزش احکام و آداب دین مبین اسلام، برای تمام افراد، در تمام نقاط مملکت فراهم شود:

[1] اصفهانی، نورالله، رساله مقیم و مسافر، مندرج در نجفی، موسی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، ص 356

«باید در مملکت ترویج علم و معارف کرد. باید در تمام شهرها مدارس علمیه دایر کرد و مدارس ابتداییه و متوسطه و عالییه، که تمام اطفال مردم را به تعلیم و تعلم گذارد که همه صاحب علم و ثروت شوند. اولاً خواندن و نوشتن را همه کس بدانند و بتواند و آداب دین و اسلام را به قاعده به آن‌ها یاد بدهند.» [1]

ایشان همچنان یکی از مشکلات دولت استبدادی وقت و یکی از علایم ناکارآمدی آن را در این می‌داند که اکثر مردم از سواد ابتدایی و قدرت خواندن و نوشتن محروم بوده و توانایی خواندن کتاب مذهبی خود؛ یعنی قرآن را ندارند؛ ایشان علت این امر را هم در این می‌داند که اساساً صلاح دولت مستبد در این است که رعایا بی‌علم و سواد باشند و چیزی نفهمند و عارف به حقوق خود نشوند. [2] ایشان در این رابطه گام‌های عملی مهمی نیز برداشت که از آن جمله می‌توان به تأسیس مدارس عام و مدرسه خاص ایتم اشاره کرد. در یکی از روزنامه‌های زمان مشروطیت اصفهان آمده است:

«بحمدالله اصفهان که بازار ترقی و تمدن [است] به همت و اهتمام حضرت ثقة الاسلام، به منتهای مدارج امکان رونق افزا گشته و تمام جهات و حیثیات شرف و عزت توصیت و استقلال را محل مواظبت و دقت خود قرار داده، دقیقه‌ای از دقایق لازمه را از مد نظر دقت غفلت نمی‌فرمایند... از جمله نتایج اقدامات حضرت ایشان افتتاح مدرسه ایتم است.» [3]

2-2. آزادی

مرحوم حاج آقا نورالله، یکی از مسائل مهمی را که حکومت باید به دنبال تأمین آن باشد، آزادی می‌داند و بر لزوم این آزادی تأکید دارد. ایشان معتقدند که یکی از مشکلات

مهم حکومت استبدادی این است که می‌خواهد این آزادی را از مردم سلب کند و همه بنده و چاکر دست به سپینه سلطان باشند و هیچ‌گونه آزادی در برابر سلطان نداشته باشند. نکته مهم این است که آزادی از نظر ایشان نیز آزادی در چارچوب شرع مقدس و دین مبین اسلام است:

[1] اصفهانی، نورالله، پیشین، ص 369

[2] همان.

[3] روزنامه جهاد اکبر، 12 رجب 1325 قمری.

«تمام خلق در غیر آنچه قانون کتاب و سنت آنها را مقید نموده، باید آزاد باشند؛ نه آزادی به این معنی که بعضی از جهال خیال کرده و می‌گویند که مرادشان آزادی در مذهب باشد؛ بلکه همان حریت و آزادی مقصود است که خداوند در کتاب و سنت فرموده و آنها را آزاد فرموده، در مقابل بندگی.» [1]

ایشان معتقدند این آزادی باید به گونه‌ای باشد که آزادی احدی مزاحم یا آزادی دیگری نباشد. ایشان با استناد به روایت «الناس کلهم أحرار ولكن فضل الله بعضكم بعضاً» معتقدند که به رغم وجود آزادی، باید مقام و شأن هرکس نیز به جای خود محفوظ باشد و از کسی سلب شرف و عزت نشود.

یکی از موارد بحث آزادی، که در اقدامات عملی مرحوم حاج آقا نورالله و برادرشان آیت الله آقاجفی اصفهانی بروز دارد، آزادی بیان است. در سال 1320 قمری، جمعی از مبلغان عیسوی که از اروپا به هندوستان رفته و زبان فارسی را آموخته بودند، کتب متعددی در رد اسلام نوشته و در هند چاپ می‌کنند. برخی از این مبلغان به ایران می‌آیند که سردسته آنها شخصی انگلیسی به نام تیزدال بوده که در محله جلفای اصفهان ساکن شده و علمای اصفهان را به مباحثه درباره مذهب مسیح دعوت می‌نموده و کتاب خود در رد اسلام را به نام «ینابیع الاسلام» منتشر می‌کند. [2]

مرحوم حاج آقا نورالله و برادرشان، آقاجفی، با همراهی مرحوم رکن الملك شیرازی و با همت و علاقه مرحوم داعی الاسلام، انجمنی در محله جلفای اصفهان تشکیل داده و روزنامه‌ای هم به نام «الاسلام» برای بیان مقاصد و طرح مناظرات دو طایفه منتشر می‌کنند. تا مدت‌ها در محیطی آزاد و علمی، علمای دو مذهب به بحث و احتجاج می‌پردازند و نسخه‌های این روزنامه به سایر بلاد نیز راه یافته و بحث‌های آن مورد استناد دیگر مسلمانان قرار می‌گیرد. [3]

3-2. حاکمیت قانون اسلام

از دیگر اهداف میانی حکومت، که تقریباً مهم‌ترین آنها نیز می‌باشد، حاکمیت قانون

[1] اصفهانی، نورالله، پیشین، ص 365

[2] صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج1، ص238

[3] ر.ک.به: نجفی، موسی، پیشین، صص75 و 74

اسلام است. مرحوم حاج آقا نورالله(قدس سره) همواره بر این مسأله تأکید داشت که:

اولاً: باید در حکومت، قانون حاکم باشد و همه چیز بر اساس قانون اجرا شود. باید قانون وضع شود تا هرکس؛ از شاه و گدا، تکلیف خود را بدانند و از وظیفه خود تجاوز ننمایند و کارها مطابق قانون منظم گردد. میان حاکم و مردم در اجرای قانون هیچ فرقی نباشد و قانون بدون هیچ کم و کاستی و مصلحت‌اندیشی‌های ظاهری، در مورد همه اعمال شود.

ثانیاً این قانون حاکم باید قانون اسلام باشد و بر اساس کتاب و سنت و قانون اسلامی، حدودی برای هر يك از طبقات جامعه تعیین شود.

ایشان در این باره می‌فرمایند:

«در صورتی اطاعت امر و حکم آن پادشاه یا حاکم با آقا لازم می‌شود که قول و امر و فرمان او مطابق با قانون مملکت باشد. یقین باشد که اگر حکمی بر خلاف قانون از او صادر باشد، مطاع نخواهد بود. پس در حقیقت در سلطنت مشروطه حاکم قانون است و شاه و امیر و حاکم و قاضی و آقا بیان آن قانون را می‌نمایند و چون در مملکت اسلامی قانون کتاب‌الله و سنت پیغمبر است در سلطنت مشروطه اگر حکم هر حاکمی مطابق با قانون اسلام باشد، مطاع است و اگر از روی هوای نفس باشد، وجود غرضی بر خلاف قانون اسلام حکمی بنماید، به هیچ وجه مطاع نخواهد بود.» [1]

از جمله اعتراضات ایشان به حکومت استبدادی قاجاریه در این اواخر، که حاکی از ناکارآمدی آن حکومت بود، اختیار بی‌حد و حصر شاه و عدم حاکمیت قانون و فقدان هرگونه حد و حدودی برای سران مملکت و حاکمان محلی و عدم اجرای احکام الهی بود. مشکل این نوع حکومت این است که اساساً در این نوع حکومت‌ها تعیین حدود و تشخیص تکلیف معنا ندارد:

«در زمان استبداد کدام يك از صد هزار حکمی که از شرع مقدس رسیده بود؛ مجرا بود و به کدام يك از اوامر الهیه، به آن قسمی که صاحب شریعت فرموده بود شاه که صاحب اختیار و مالك الرقاب[در حکومت استبدادی] عمل می‌شد؟ ...

[1] اصفهانی، نورالله، پیشین، صص 355 و 354

جان و مال و ناموس رعیت است حاکم که از جانب پادشاه است البته صاحب اختیار مال و ناموس رعیت است. و هکذا ضابط و فراش و سایر طبقات دولتی. در این صورت تعیین حدود یعنی چه؟ و تشخیص تکلیف چه معنی دارد؟...» [1]

2-4. عدالت و مساوات

مرحوم حاج آقا نورالله یکی از چشم‌اندازهای حکومت مطلوب و کارآمد را ایجاد عدالت و تحقق آن در تمام زمینه‌ها و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و بی‌عدالتی می‌داند. ایشان معتقدند قانون باید با عدالت کامل بر همه حاکم باشد و نسبت به همه اجرا شود:

«در مملکت باید قانون عدل مجری باشد و هیچ‌کس بر دیگری ظلم و ستم نکند و کسی را به ناحق حبس نکرده و صدمه و اذیت و زنجیر ننمایند و هتک عرض و فحاشی نکرده، بد نگویند ... این وجوهی که به عنوان مالیات گرفته می‌شود، به طور عدل و انصاف و صحت باید باشد ... باید ضعیف و قوی یکسان باشد.» [2]

ایشان معتقدند مطابق حکم الهی، در تمام حدود و مجازات، باید تمام افراد مساوی بوده و احکام الهی در مورد همه اجرا شود. کسی که مرتکب خلافی شد؛ خواه حاکم باشد یا محکوم، امیر باشد یا مأمور، باید بر اساس قانون، حدود خاص آن بر وی اجرا شود. اگر کسی از دست حاکم یا ضابط یا یکی از اعیان شکایت شد، باید به شکایت او رسیدگی شود و اگر صدق ادعای او ثابت گردید باید احقاق حق شده و حاکم یا ضابط یا هرکس دیگر که باشد مجازات شود:

[1] همان، صص 368 و 384

[2] همان، صص 361 و 365

«وکلاى ملت نظارت و مراقبت تامه داشته باشند که در آنچه از صاحب شریعت حکم آن معین و مبین شده تغییر و تبدیل واقع نشود و حکم آن ما بین وضع و شریف و بزرگ و کوچک و شاه و گدا مجرا گردد... و احکام قوانین الهیه بر تمام بندگان علی‌السویه جاری گردد.» [1]

ایشان یکی از مشکلات اصلی حکومت استبدادی به عنوان يك حکومت نامطلوب و ناکارآمد را رواج ظلم و بی‌عدالتی حکام نسبت به رعایا، تحمیل مالیات اولیای دولت و صاحبان قدرت به ضعفا، عدم توجه به توانایی افراد هنگام اخذ مالیات و تعرض به مال و ناموس و عرض مردم بر اساس خواست نفسانی، شهوانی و غضبانی يك حاکم یا مأمور دولتی جاهل و بی‌علم می‌داند.

2-5. امنیت و رفاه

حاج آقا نورالله (قدس سره) یکی از چشم‌اندازهای دولت کارآمد را تأمین امور رفاهی مردم می‌داند. در رابطه با تأمین مسائل رفاهی، یکی از مهم‌ترین مواردی که ایشان بر آن تأکید فراوان دارند، این است که حکومت باید زمینه اشتغال و رونق تجارت و زراعت و سایر حرفه‌ها را فراهم کند تا تمام مردم در حد نیاز خود، از ثروت و امکانات مادی مناسب برخوردار باشند:

«باید کاری کرد که در مملکت زراعت و تجارت و فلاحت ترقی کند و مردم صاحب ثروت و مکنّت باشند ... باید تشکیل کمپانی‌های بزرگ تجاری در مملکت کرد و ... معادن را بیرون آورد، کارخانجات دایر کرد. ثروت مملکت را باید زیاد کرد. به اهل زراعت کمک کرد زراعت را توسعه داد، تجارت را ترویج کرد. هم برای بیکارهای رعایا کار پیدا شود که از گرسنگی نمیرند و به گدایی نیفتند و هم به دولت فایده برسد. خزانه معمور شود.» [2]

یکی دیگر از تأکیدات شدید ایشان در بحث امکانات رفاهی، مسائل بهداشتی و پزشکی و تأسیس بیمارستان است.

[1] همان، ص 360

[2] همان، صص 368 و 369

خود ایشان از مؤسسين و حامیان مالی بیمارستانی اسلامی در اصفهان بودند و پس از تأسیس آن طی اعلامیه‌ای از همه اقدشار مردم دعوت می‌کند که در تأسیس چنین مراکز پیش قدم شوند و در محافل و مجالس مختلف، با زبانی شیوا و بیانی زیبا دیگران را به چنین کارهایی تشویق و ترغیب کنند. ایشان در مورد ضرورت تأسیس مریضخانه می‌نویسند:

«باید در تمام شهرها مریضخانه باز کرد که فقرا برای آن که تمکن حالی و مالی برای علاج امراض خود ندارند، به مریضخانه بروند که غذا و پرستاری مجانی داشته باشند و محتاج نشوند که فقرا و مسلمانان در مریضخانه خارجه بروند.»

یکی دیگر از موارد امکانات رفاهی، بحث تعلیم و تربیت و آموزش همگانی است که در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد. بحث امنیت نیز مورد توجه خاص مرحوم حاج آقا نورالله بوده است و برای تحصیل آن پیگیری‌ها و تلاش‌های فراوانی داشته‌اند. زمانی به علت شکایات فراوانی که از بی‌امنیتی می‌شود، ایشان مسأله را از مأمورین دولتی جویا می‌شوند و با پیگیری‌های فراوان و برخی اقدامات مالی این مشکل را حل می‌کنند و می‌فرمایند به مردم اعلام شود، که الحمدلله امنیت حاصل شد. ایشان در رابطه با ضرورت وجود امنیت می‌نویسند:

«در مملکت امنیت جانی و مالی و عرضی باید باشد وگرنه زندگانی برای رعایا و سالکین ممکن نیست.» [1]

2-6. استقلال و خودکفایی

حاج آقا نورالله (قدس سره) به ضرورت کوتاه کردن دست اجانب از مملکت و رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی تأکید فراوان داشتند. ایشان معتقد بودند باید در حد امکان از محصولات داخلی استفاده کرد تا وابستگی‌ها نسبت به کشورهای خارجی تقلیل یابد و به خودکفایی داخلی برسیم:

«باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت به قدر واردات باشد. امروز بر ملت ایرانیه و حوزه اسلامیّه لازم و متحتم است که

[1] همان، ص 370

در رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور و اندازه میسور بکوشیم ... و تا آخرین درجه امکان از امتعه داخله خود استفاده نماییم.» [1]

پس از قیام عظیم مردمی و مذهبی ملت ایران علیه قرارداد امتیاز انحصاری توتون و تنباکو و تحریم تنباکو توسط مرحوم میرزای شیرازی، حاج آقا نورالله (قدس سره) به فکر توسعه این تحریم به سایر کالاهای خارجی افتاد؛ لذا برای رسیدن به این هدف، اقدام به تلاش‌هایی در جهت سازندگی و خودکفایی داخلی کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات ایشان تأسیس شرکت اسلامیّه و شرکت شرافت بود. این شرکت به گونه‌ای گسترش یافت که در همه شهرها و حتی در برخی کشورهای خارجی نیز دفاتری ایجاد نمود. تولیدات و منسوجات این شرکت در سراسر کشور پخش گردید و مردم با عشق و علاقه، لباس‌هایی را که پارچه خارجی داشت از تن درآورده و از محصولات این شرکت استفاده می‌کردند. [2] این گونه اقدامات و صدور اعلامیه‌ها و ایراد نطق‌های مهیج و تشویق مردم به پرهیز از کالاهای خارجی تا مرز تحریم این کالاها و استفاده از تولیدات محدود ملی، از اقدامات ایشان در راستای رسیدن به استقلال و خودکفایی است.

ب. امکانات

دومین عنصری که باید در بحث کارآمدی مدّ نظر قرار گیرد بحث امکانات است که امکانات شامل اصول و ابزارهای مورد نیاز می‌باشد. لذا امکاناتی که امام (قدس سره) برای کارآمدی حکومت اسلامی لازم می‌دانند، در دو بخش «اصول» و «ابزارها» مطرح می‌شود:

1. اصول

مراد از این بخش، اصول فکری حاکم بر رفتار حکومت است که این اصول کاملاً متأثر از جهان بینی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه است. اصولی که در نظام سیاسی اسلام باید حاکم باشد و موجب کارآمدی آن می‌شود عبارت است از:

1-1. مشروعیت

از جمله عوامل بسیار مؤثر در کارآمدی هر نظامی، حقانیت و مشروعیت آن است. در

[1] نجفی، موسی، پیشین، صص 16 و 17

[2] همان.

جای خود ثابت شده است که از میان ملاک‌های حقانیت و مشروعیت، ملاک حقانیت و مشروعیت الهی پذیرفتنی است و هیچ یک از ملاک‌های زور و غلبه، وراثت، توافق جمعی، اکثریت و ... نمی‌تواند ملاک مشروعیت واقعی باشد. مشروعیت الهی؛ حس رضایتمندی، اطمینان، فداکاری و مسئولیت در حاکمان و مردم را بالا می‌برد و از این طریق بر کارآمدی نظام می‌افزاید. [1] مرحوم حاج آقا نورالله یکی از اشکالات حکومت پادشاهی را عدم مشروعیت آن می‌داند و معتقد است که سلطنت پادشاه را به هیچ عنوان نمی‌توان مشروع شمرد؛ به همین جهت، ایشان دستورات و فرامین پادشاه را واجب‌الاطاعه نمی‌دانند و نیز توافق جمعی و رضایت عمومی و رأی اکثریت را ملاک مشروعیت نمی‌شمارند و معتقدند قوانین و دستوراتی از مجلس شورا لازم‌الاجرا است که بر اساس کتاب و سنت الهی باشد. بر همین اساس اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس را می‌پذیرند و بر لزوم اجرای آن تأکید دارند. لذا در نامه‌ای که ایشان و دیگر علمای اصفهان در زمان تحصن مرحوم شیخ فضل الله نوری در حرم عبدالعظیم (ع) خطاب به مجلس نوشته‌اند، بر این مسأله تأکید فراوان دارند و خواهان اجرای فوری این قانون هستند:

«حضور امنای مجلس شواری ملّی - دامت برکاتهم - ... جز نشدن فصل نظارت علما که مرجع تقلید ناس باشند، بدون عضویت به مجلس و بدون تقید به علم به اقتضای وقت در قانون اساسی، که جز شدن این فصل باعث بقای اساس اسلام است، مهیج علما و متشرعین و طلاب غیور در دین شد. از امنای مجلس - دامت برکاتهم - رفع مراتب منظور را فوراً مستدعی هستیم، والأض خوف

[1] صنیعی منفرد، محمد علی؛ تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ص 105

حدوث فتنه و این که زحمت کامله يك ساله هدر رود هست. (علمای اصفهان)
داعی شیخ محمد تقی نجفی، داعی شیخ نورالله، الأحقر شیخ مرتضی و ... سایر
علما و طلاب.» [1]

بنابراین، ایشان مشروعیت بر اساس وراثت، غلبه، رضایت عمومی و رأی اکثریت را نمی‌پذیرند. تنها مبنای مشروعیتی که می‌توان در نظر و عمل ایشان دید، مشروعیت الهی است. حاج آقا نورالله در عمل قائل به مشروعیت الهی بود و حکومت ایشان در اصفهان،

نمونه يك حكومت مشروع الهی به شمار می‌آید؛ زیرا بزرگان فقها و استوانه‌های فقهت وزهاد علمای حوزه بزرگ اصفهان، اطاعت وی را واجب دانسته و در مقام تأیید او بوده‌اند. لذا باید گفت:

«حکومتی که به ریاست سیاسی حاج آقا نورالله در اصفهان پیاده و اجرا شده بود، از نظر عقیدتی و دیدگاه شرعی بر مبنای مشروعیت و ولایت فقیه و مجتهد سیاسی و آگاه به زمان استوار بوده است.» [2]

2-1. مبانی اعتقادی

یکی از اصول مهم و مؤثر در کارآمدی نظام سیاسی، مبانی اعتقادی و اندیشه‌ای است. مبانی اندیشه‌ای حکومت مطلوب از نظر مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی، مبانی اسلامی به طور عام و شیعی به طور خاص است؛ زیرا خواستار تشکیل حکومت بر اساس مبانی اسلامی به معنای خاص شیعی آن بودند. مبانی اندیشه‌ای شیعه نیز اموری هستند که هر کدام به نوبه خود عامل بسیار مؤثری در افزایش کارآمدی سیاسی می‌باشند.

اولین مبنای اندیشه‌ای شیعه خدامحوری و وحی‌گرایی است. اعتقاد به خداوند ووحی‌گرایی، از اموری است که موجب احساس مسؤولیت در برابر خداوند می‌شود واین‌خود نقش مؤثری در ایفای مسؤولیت حکومتی در حاکمان دارد. یکی از مؤلفه‌هایی که حضرت امام در کارآیی حکومت اسلامی تأکید دارند همین خدایی بودن و اعتقاد به

[1] ترکمان، محمد؛ نظارت مجتهدین طراز اول: سیر تطور اصل دوم متمم قانون اساسی در دوره اول تقنینیه، مندرج در: تاریخ معاصر ایران، کتاب اول، ص 33

[2] نجفی، موسی، پیشین، ص 182

وحی و تمسك به وحی است. یکی دیگر از مهم‌ترین مبانی اندیشه‌ای تشیع، امامت و ولایت‌مداری است.



ولایت‌مداری موجب می‌شود که عالم‌ترین و عادل‌ترین فرد حاکم باشد و رهبر جامعه، الگوی جامعه و در صف مقدم عمل باشد. محور سوم در این مبانی، اعتقاد به معاد است. چنین اعتقادی

موجب دقت در رفتار و گفتار به دلیل لزوم پاسخگویی در قیامت خواهد شد. یکی دیگر از این مبانی، عدالت‌محوری است که قبلاً به تفصیل از آن بحث شد. مبنای مهم دیگر در اندیشه شیعه عقل‌گرایی است. عقل‌گرایی موجب انعطاف‌پذیری و مطابقت احکام با شرایط زمان و مکان می‌شود و خود عامل مهمی در کارآمدی حکومت است. [1]

3-1. رعایت مصلحت عمومی

یکی دیگر از مهم‌ترین اصول حاکم بر نظام سیاسی اسلام، که همان نظام سیاسی مطلوب مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی است، بحث رعایت مصلحت عمومی و منافع عامه

می‌باشد. حاج آقا نورالله اصفهانی معتقدند که در تصمیم‌گیری‌های مملکتی، باید صلاح ملت و مملکت و اسلام و مسلمین در نظر گرفته شود؛ نه امیال و هوس‌های شخصی و خواسته‌های نفسانی يك فرد حاکم:

«در مجلس بنشینند به هر قسم صلاح ملت و مملکت را دانسته و رأی دادند، رفتار نمایند ... و هر نوعی که صلاح اسلام و مسلمین را مشخص نموده، مجرا شخص جاهل و بی‌علم و صاحب قوای نفسانی و شهوانی و [نه این‌که] دارند ... غضبانی باشد که به هر قسم میل و رضا و شهوت‌پرستی او اقتضا نماید، تمام افراد مملکت بدون چون و چرا اطاعت و انقیاد او را نمایند.» [2]

[1] - .ر.ک. به: فتحعلی، محمود؛ مباحثی در باب کارآمدی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1382

[2] اصفهانی، نورالله، پیشین، ص 360

از امکاناتی
که می‌توان
برای
تحقق کارآمدی
از آن
بهره گرفت،
نظارت
و کنترل
است.

4-1. خدمتگزاری

از اصول مهم دیگر در نظام سیاسی مطلوب مرحوم حاج آقا نورالله اعتقاد به خدمتگزاری مسؤولان نسبت به مردم است. واضح است در حکومتی که مسؤولان خود را خدمتگزار مردم بدانند قطعاً در جهت منافع و مصالح آنها قدم برخواهند داشت و این خود ضریب کارآمدی حکومت را به شدت افزایش می‌دهد. حاج آقا نورالله (قدس سره) بر لزوم خدمتگزاری مسؤولان نسبت به مردم تأکید فراوان دارند و ضمن استفاده از تعبیر راعی و رعیت، معتقدند که راعی عنوان و مسؤولیتی جهت حفظ رعیت است، نه رعیت وسیله‌ای برای خوش‌گذرانی راعی.

لذا به تعبیری مردم را ولی نعمت حاکمان می‌داند:

«پادشه پاسبان درویش است. دولت به فرّ نعمت اوست... پادشاه باید شب و روز در فکر آسایش رعیت باشد ... نه این‌که از آنها منتفع شود و آنها را به دست گریان آدمی‌خوار بسپارد و خود شب و روز مشغول عیش گردد و خلقت خلق را از پرتو وجود خود داند و آنها را جهت آسایش و عیش و کامرانی خود پندارد.» [1]

ایشان معتقدند یکی از علل ناکارآمدی حکومت‌های استبدادی این است که در این نوع حکومت‌ها اعتقاد بر این است که خلقت خلق جهت آسایش و عیش و کامرانی پادشاه است و رعیت باید شب و روز زحمت بکشد و حاصل زحمت و دسترنج خود را تقدیم‌حضور پادشاه نماید و پادشاه همیشه مشغول عیش و کامرانی باشد! [2]

35. همان، ص 367.

[1] همان.

2. ابزار

2-1. نظارت و کنترل همگانی

از امکاناتی که می‌توان برای تحقق کارآمدی از آن بهره گرفت، نظارت و کنترل است. به ویژه نظارت و کنترل عمومی که از ناحیه مردم در قالب امر به معروف و نهی از منکر اعمال می‌شود، عاملی بسیار قوی و مهم برای کنترل تمام افراد موجود در حاکمیت و حرکت به سوی کارآمدی است. مرحوم حاج آقا نورالله بر کنترل و نظارت همگانی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان نظام سیاسی کارآمد اشاره دارند و معتقدند باید از طریق نمایندگان مردم در مجلس شورا، بر تصمیمات مملکتی نظارت شود تا این تصمیمات خارج از محدوده شرع نباشد و قوانین نسبت به همه اجرا شود:

«وکلاى ملت نظارت و مراقبت تامه داشته باشند که در آنچه از صاحب شریعت حکم آن معین و مبین شده، تغییر و تبدیل و کم و زیاد نشود و احکام قوانین الهیه برتمام بندگان، علی‌السویه جاری گردد.» [1]

از اشکالاتی که ایشان نسبت به حکومت ناکارآمد زمان خودشان دارند، عدم اطلاع مردم و نظارت آنها بر مسائل مملکتی به ویژه بحث مالیات‌ها و چگونگی دخل و خرج آنهاست. ایشان معتقدند در زمان سلطنت استبدادی قاجاریه در ایران، نه تنها مردم و رعیت از این‌که مالیات مملکت به کجا می‌رود بی‌خبرند؛ بلکه امر به گونه‌ای است که بزرگان مملکت هم باید از صورت دخل و خرج دولت ابداً اطلاعی نداشته باشند. [2] از اقدامات مهم عملی مرحوم حاج آقا نورالله در جهت افزایش نظارت بر امور دولتی، تأسیس انجمن مقدس ملّی اصفهان است که همواره بر امور مختلف دولتی نظارت داشته و نسبت به آنها اظهار نظر می‌نموده است. در یکی از روزنامه‌های این انجمن از قول مرحوم حاج آقا نورالله آمده است:

«انجمن به مقتضای نظارتی که دارد باید درباره مالیات اصفهان و دخل و خرج آن توضیح بخواهد و باید به ایالت جلیله اخطار کنیم که ترتیب جمع و خرج مالیات امساله داده شود.» [3]

[1] همان، ص 360

[2] همان، ص 379

[3] روزنامه انجمن مقدس ملّی اصفهان، رمضان سنه 1325. به نقل از موسی نجفی، پیشین، ص 106

حاج آقا نورالله غیر از این اقدامات عملی در جهت نظارت بر عملکرد دولت، اقدام به برخی فعالیت‌ها نموده که زمینه‌ها و بسترهای مقدماتی برای افزایش آگاهی و اطلاع‌رسانی به مردم و نظارت آنان بر امور عمومی را ایجاد کرده است. یکی از این اقدامات ایجاد خانه مطبوعات است که با عنوان «قرائت‌خانه» از آن یاد می‌شده است.

قرائت‌خانه مکانی بوده که در آنجا جراید و سایر اخبار و اطلاعات وجود داشته و کسانی که مایل به کسب آگاهی در این زمینه‌ها بودند به آنجا مراجعه می‌کردند. در یکی از روزنامه‌های اصفهان آمده است:

«محض اشاعه معارف و خدمت به نوع، اعضای انجمن عارف اصفهان قرائت‌خانه افتتاح نموده و برای سهولت که هرکس از خاص و عام به قرائت‌خانه رفته و از اخبارات مستحضر شوند، بابت آن یکشاهی قرار داده‌اند ... به عموم ارباب جراید اعلان می‌شود که هر کدام محض همراهی به این اساس خیر خواستند روزنامه ارسال و مؤسسین قرائت‌خانه را رهین منت فرمایند.» [1]

2-2. نیروی انسانی متعهد و متخصص

از امکانات و ابزار مهم برای کارآمد شدن حکومت، استفاده از نیروهای متعهد و متخصص است. حاج آقا نورالله نیز استفاده از افراد متعهد و آگاه را از مهم‌ترین ابزارهای کارآمدی می‌دانستند. ایشان برای تحقق تفکر اصیل و حفظ شعائر اولیه دخالت روحانیون و علمای صالح و مردمی و رجال خوشنام و ملی را بهترین و مورد اعتمادترین راه برای حفظ منظور خود می‌شناخت. او به خوبی می‌دانست که اگر رهبران اصیل و دلسوز جامعه منزوی و مطرود شوند و حاکمیت به دست افراد غیر صالح بیفتد، نهضت به تدریج به شکست خواهد انجامید. [2] در رابطه با انجمن مقدس ملی اصفهان نیز از آنجا که می‌دانست اگر این نهاد در دست افرادی فاقد صلاحیت و بی‌تعهد یا ساده‌اندیش و ضعیف بیفتد، موجب انحراف نهضت می‌شود؛ لذا با هوشیاری توانست دست اشخاص فاقد صلاحیت و نیز مدعی سرسخت و دشمن اصلی یعنی ظل السلطان را از این نهاد مهم کوتاه کند و افرادی چون مرحوم مدرس کنترل آن را برعهده گرفتند. [3]

[1] روزنامه جهاد اکبر، 1326 قمری، به نقل از موسی نجفی، پیشین، ص 99

[2] نجفی، موسی؛ جریان‌شناسی و فلسفه سیاسی در تاریخ معاصر ایران، صص 173 و 172

[3] همان، ص 84

3-2. شورا، مشارکت و همکاری

امروزه مشارکت سیاسی و همیاری در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، از ملاک‌های توسعه، پیشرفت و کارآمدی نظام به حساب می‌آید. هر اندازه مردم در تصمیم‌سازی‌ها و به عهده گرفتن مسؤولیت‌ها سهم بیشتری داشته باشند، توسعه، پیشرفت و کارآمدی بیشتر خواهد بود. [1] مرحوم حاج آقا نورالله بر لزوم مشورت با مردم و جلب دیدگاه‌های آنها در مسائل حکومتی تأکید فراوان دارند. ایشان معتقدند بحث شورا و مشورت مسأله‌ای نیست که از خارج آمده باشد و اولین بار غربی‌ها به چنین کاری دست زده باشند؛ بلکه مشورت و شورا را از اموری می‌دانند که از آغاز خلقت آدم و عالم بوده و شخص پیامبر گرامی (ص) نیز در موارد بسیاری در مسائل حکومتی با مردم مشورت می‌کردند. البته ایشان بر این نکته تأکید دارند که همه امور حکومتی قابلیت مشورت ندارد؛ بلکه مشورت محدود به اموری است که حکم و قانون معینی در کتاب و سنت در مورد آن وجود ندارد؛ وگرنه در اموری که از جانب خداوند نسبت به آن دستور و حکم خاصی صادر شده، احدی حق چون و چرا و تغییر و تبدیل ندارد:

«مطالب بر دو قسم است: يك، امری که خداوند در آن امر فرموده ... در این قبیل احکام، احدی را حق سؤال و جواب و ... نیست ... يك امری است که حکم و قانون معینی در کتاب و سنت نوشته نشده ... خداوند عالم این امور را به مشورت ارجاع فرموده که مسلمانان مشورت و مصلحت بینی کنند و هر قسم صلاح دانند رفتار نمایند.» [2]

ایشان معتقدند تمام امور دولتی که در محدوده فوق است باید بدون استثناً توسط وکلای مجلس و در مجلس شورا مورد بررسی قرار گیرد و در آنجا راجع به آن تصمیم‌گیری شود: «تمامی امور دولت باید از روی قانون و به تصویب وکلای ملت بوده باشد. هر مطلبی راجع به داخله یا خارجه باشد، باید در مجلس شورا عنوان بحث قرار

[1] در این رابطه ر.ک. به:

Myron Weiner & Samuel P. Huntington "Understanding Political Development", *The goals of Development*, Little, Brown & Co, 1987.

[2] اصفهانی، نورالله، پیشین، ص 358

بدهند و بدون امضای مجلس شورا هیچ امری مجرا نباشد.» [1]

4-2. قواعد و مقررات مناسب

از مهم‌ترین عوامل کارآمدی هر نظام سیاسی، وجود قواعد و مقررات مناسب در آن نظام است. حاج آقا نورالله بر دین اسلام به عنوان يك دین جامع، کامل و جاودانی تأکید داشتند و معتقد بودند که دستورات و قواعد و احکام اسلامی، اموری کهنه‌شدنی نیست، بلکه به دلیل انعطاف‌پذیری نوع احکام اسلام و قابلیت تطابق با شرایط زمان و مکان بهترین و کاملترین قواعد و مقررات را دارد. قطعاً قوانین و مقررات حکومتی اسلام، که بسیار هم در این زمینه احکام وجود دارد، از این شرط مستثنی نیست. مرحوم حاج آقا نورالله (قدس سره) بر این مطلب تأکید

دارند که قوانین و مقررات مورد تصویب مجلس، که موجب حل مشکلات مردم خواهد شد، باید بر اساس احکام و دستورات دین مبین اسلام باشد. ایشان قانون اسلامی را مساوق صلاح و فلاح و رفاه و آسایش مسلمین می‌دانند:

«اگر بگوییم مشروطه می‌خواهیم یا این‌که لفظ مشروطه را نگوییم و بگوییم قانون اسلامی را می‌خواهیم، صلاح و فلاح و رفاهیت و آسایش مسلمین را می‌خواهیم و تقلیل در ظلم می‌خواهیم در حقیقت يك معنی دارد.»

لذا ایشان معتقدند که باید با وضع قوانین و مقررات مناسب، اوضاع و شرایط نامناسب کشور سامان داده شود، بهترین و کارآمدترین قانون را قانون اسلام و کتاب و سنت پیامبر(ص) می‌دانند.

2-5. حسن تدبیر و مدیریت

همچنین یکی از ابزارهای مهم حکومت برای رسیدن به شایستگی و کارآمدی، تدبیر نیک و مدیریت صحیح و مطلوب است که گاه از آن یا عنوان حسن التدبیر، حسن السیاسة و یا حسن مدیریت یاد شده است. مرحوم حاج آقا نورالله برای افرادی که قرار بود وکالت مردم را بر عهده بگیرند و در مورد امور مملکتی تصمیم‌گیری نمایند و باید از حسن تدبیر لازم برخوردار باشند، از همین تعبیر صاحبان عقول استفاده کرده‌اند:

[1] همان، ص 368

«خوب است صد نفر یا صد و پنجاه نفر از عقلای هر مملکتی را که وکلایشان می‌نامند، در مجلس بنشینند، به هر قسم صلاح ملت و مملکت را دانسته و رأی دادند، رفتار نمایند.» [1]

ایشان همچنین در تقبیح حکومت استبدادی، به عنوان يك حکومت ناکارآمد، به بحث عدم علم و عقل حاکم اشاره دارند و معتقدند وقتی قرار باشد يك نفر به عنوان پادشاه، تمام امور را رتق و فتق و تصمیم‌گیری نماید و اختیار کامل در دست او باشد، از آنجا که همیشه آن يك نفر عادل، عاقل و کامل نمی‌شود و گاهی ممکن است شخص جاهل و بی‌علم در مصدر امور باشد، لذا حکومت کارآمدی لازم را ندارد و در موارد مختلف دچار مشکل خواهد شد. [2]

2-6. جلب اعتماد مردم

از ابزارها و عوامل دیگری که دولت برای رسیدن به کارآمدی می‌تواند از آن بهره ببرد، جلب اعتماد و اطمینان مردم است. مرحوم حاج آقا نورالله به این مطلب اشاره دارند که دولت باید اطمینان مردم را به خود جلب کند تا بتواند از سرمایه‌گذاری آنها در داخل کشور استفاده کند و مانع خروج سرمایه‌ها از کشور شوند:

«باید به رعایا اطمینان داد که پول‌های خودشان را به کار بیندازند و اشخاصی که در خارج رفته‌اند، تجارت و صنعت می‌نمایند به میهمانی و امنیت تامه به مملکت وارد کرد و آنها را تشویق کرد تا فواید تجارت و صنعت آنها عاید مملکت شود. نروند پول‌های خودشان را در بانک‌های خارجه از قرار صد پنج بگذارند و در داخله پول نابود باشد ... باید طوری اطمینان داد که رعایا به دولت

قرض بدهند.» [3]

ایشان یکی از اشکالات حکومت استبدادی را اخذ اموال مردم توسط حکومت می‌داند و بی‌اعتمادی آنها به حکومت را متأثر از این مسأله می‌داند:

[1] همان، ص 360

[2] همان.

[3] همان، ص 369

«مستبد می‌گوید: هرکس هر چه دارد، باید از او گرفت به هر وسیله باشد، باید رعیت را دوشید و به قول و نوشته بلکه به قسم قرآن هم نباید پایبند بود!» [1]

ملاك‌های تعیین شده در نظریه مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی نشان می‌دهد که نقطه افتراق نظریه شیعه با تئوری‌های رایج غربی، در بحث کارآمدی سیاسی، بحث محور و ملاك اصلی سنجش کارآمدی و عدم کارآمدی يك نظام سیاسی است. بنابر آنچه گذشت، در نمونه‌ای که برای تبیین کارآمدی ارائه شد، عناصر اصلی (اهداف، امکانات و موانع) که باید با در نظر گرفتن مجموع آنها کارآمدی يك نظام سیاسی را سنجید، به ویژه اهداف، همواره مبتنی بر يك نظام ارزشی خاص هستند که این نظام ارزشی برآمده از يك جهان‌بینی مشخص است. بنابراین، می‌توان گفت که تفاوت اصلی در همین جهان‌بینی ظاهر می‌شود. در جهان‌بینی اسلامی و به خصوص شیعی، محور هستی خداست و انسان و عالم هستی بر مدار و محور او تعریف می‌شوند. بر همین اساس نظام ارزشی برآمده از این جهان‌بینی يك نظام الهی است؛ اما مبنای تئوری‌های غربی، جهان‌بینی جدیدی است که پس از رنسانس با نگاه جدید انسان به خود، خدا و عالم پدید آمده است. در این جهان‌بینی محور هستی انسان است (اومانیزم) و همه چیز بر اساس خواست و اراده او تعریف می‌شود.

در جهان‌بینی الهی جلب رضایت خداوند و اجرای احکام و دستورات او، از مؤلفه‌های مهم در اهداف حکومت است و خواست مردم و رضایت آنها در طول رضایت الهی سنجیده می‌شود. اما در نظام سیاسی مبتنی بر جهان‌بینی اومانیزمی وجود مؤلفه‌ای به نام جلب رضایت خداوند معنا ندارد؛ زیرا در این‌جا خداوند محور نیست؛ بلکه انسان محور است. بنابراین، در حکومت‌های غربی، هم در بحث مشروعیت، رأی و خواست مردم و رضایت و قرارداد اجتماعی ملاك و معیار است و هم در بحث کارآمدی، محوری‌ترین هدف، تأمین رضایت مردم است. به همین جهت حکومت‌هایی که بتوانند امنیت و رفاه را برای مردم به ارمغان آورند و بیشترین امکان آزادی و تحقق خواست مردم (فقط با قید عدم تضییق آزادی دیگران) را فراهم آورند کارآمدترین حکومت‌ها محسوب می‌شوند ولو این‌که این خواست‌ها بر خلاف خواست الهی و دستورات دینی باشد. در حالی که در نظام

[1] همان.



سیاسی اسلامی، اصل اولی، اجرای دستورات الهی است که البته اجرای صحیح این دستورات موجب تأمین رفاه و سعادت دنیوی و اخروی مردم و عمدتاً جلب رضایت آنها خواهد شد. اما اگر زمانی مردم خواستی برخلاف خواست الهی داشتند و به این جهت عدم رضایت خود را از حکومت اعلام کردند، از نظر مبانی شیعی

این حکومت يك حکومت ناکارآمد نخواهد بود. به تعبیر دیگر، جلب رضایت مردم یکی از مؤلفه‌های کارآمدی حکومت است ولی با این قید که رضایت مردم در طول رضایت الهی سنجیده شود؛ به این معنا اگر حکومتی نتواند رضایت مردم را جلب کند، در صورتی ناکارآمد است که این عدم جلب رضایت، بر خلاف رضایت و دستورات الهی باشد.

http://majleskhobregan.net/fa/publications/mags/is_gv/magazines/039/10.htm



[**Return to Main Page**](#)

History Site of Mirhadi hoseini

Teacher Training University

Tehran -IRAN